

نگاهی دیگر به تفسیر دو آیه از سوره آل عمران

سیده فاطمه کیایی

چکیده

آیات ۱۹ و ۸۵ سوره آل عمران، از جمله آیاتی است که معتقدان به دین منحصر یعنی کسانی که مدعی اند در قرآن تنها دین خاتم به عنوان شریعت نجات بخش و هدایت کننده معرفی شده است، بدان استناد می کنند. از سوی دیگر کثرت گرایان که مدعی اند از دیدگاه قرآن، هیچ تفاوتی بین ادیان نیست و همه آنها به طور یکسان واجد شاخصه های حقانیت و هدایت کنندگی هستند، بر این باورند که اسلام در این آیات به معنای شریعت محمدی (ص) نیست و در نتیجه استناد انحصارگرایان به آیاتی از این دست، موجه نخواهد بود. این مقاله با این هدف تدوین شده که، ضمن پرداختن به نظرات انحصارگرایان، کثرت گرایان و مفسران در باب معنای آیات، در نهایت با توجه به تمام عناصر دخیل در دلالت از جمله، سیاق، شأن نزول و ... با تبیین مراد اصلی آیات، دلالت یا عدم دلالت آن را بر نظریه انحصارگرایان روشن نماید.

از این رو پس از بررسی های انجام شده، مشخص شد که آیه ۱۹ سوره آل عمران، **این الدین عندالله الاسلام**، به این دلیل که اسلام به معنای لغوی در آن استعمال شده، نمی تواند در راستای تأیید نظریه انحصارگرایان به کار رود، اما آیه ۸۵ این سوره، **و من یتبع غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه**، می تواند یکی از مستندات مؤید نظریه آنان محسوب شود.

طرح دیدگاه ها

دیدگاه کثرت گرایان و انحصارگرایان

در حالی که معتقدان به دین انحصاری، آیات ۱۹ و ۸۵ آل عمران را که در آن اسلام بعنوان دین مورد رضایت و مقبول خداوند معرفی شده از جمله محکم ترین مستندات قرآنی مؤید نظریه خود می دانند، کثرت گرایان در دلالت آیات بر معنای مورد نظر آنها ایجاد تردید می نمایند.

کثرت گرایان ضمن تأکید بر این معنا که اسلام در عرف قرآن به معنای لغوی «تسلیم مطلق در برابر خدا» بکار رفته نه به معنای اصطلاحی شریعت محمدی که اصطلاح حادث در بین مسلمانان پس از نزول است، در خصوص آیه ۱۹ با استناد به قرینه سیاق سعی در اثبات نظر خود دارند:

در سیاق آیه می خوانیم: و ماختلف الذین اوتوا الكتاب، این سیاق نشانگر آن است که خداوند در مقام بیان سبب خروج اهل کتاب از اسلامی است که پیامبرانشان آورده بودند... سیاق پیشینی آیه مورد بحث: فان حاجوک فقل اسلمت وجهی لله، دلالت بر اسلام حقیقی دارد.^۱

اولین مسأله مورد توجه انحصارگرایان در تبیین مراد اصلی آیاتی از این دست نوع «الف و لام» موجود در کلمه اسلام است:

مستند دکتر سروش، ان الدین عندالله الاسلام، دلیل شفاهی بر ابطال پلورالیزم است، چرا که ظاهر خود آیه که (اسلام) با (ال) معروفه مقید شده دال بر این است که مقصود از اسلام آیین اسلام است، و ظاهر متبادر از الاسلام در آیه فوق نه تسلیم مطلق بلکه شریعت حضرت محمد (ص) است.^۲

البته کثرت گرایان معتقدند این مسأله به هیچ وجه، نادرستی مدعای آنها را ثابت نمی کند: اگر الف و لام تعریف هم باشد نادرستی مدعای پلورالیستها را نتیجه نمی دهد، زیرا آنچه به هنگام نزول قرآن به عنوان اسلام شناخته می شده، مطلق تسلیم در برابر خدا بوده و نه اسلام محمدی (ص) که در زمان های بعد به عنوان اسلام شناخته شده.^۳ نکته دیگری که انحصارگرایان در اثبات مدعای خود بر آن تأکید می کنند دلالت سیاق عبارت بر «حصر» است:

در إن الدین عندالله الاسلام، هم نمی گوید اسلام به صورت نکره، زیرا حصر در میان است.^۴ لذا منظور از اسلام معنای خاص آن است که در اسلام محمدی جلوه گر شده است.^۵

قرینه سیاق نیز مورد توجه این گروه بوده است:

هر چند صدر آیه می تواند مطلق و شامل مطلق تسلیم باشد، اما مضامین آیات بعدی مخصوصا تکرار واژه اسلام به شکل فان اسلموا فقد اهتدوا؛ مفسر و مقید آیه می شود و در صدد بیان این نکته ظریف است که دین که همان مطلق تسلیم است در هر عصری تجلی و ظهور خاصی دارد و نمود خاص آن در عصر حضرت محمد ایمان و تسلیم به شریعت آن حضرت است.^۶

جمع بندی

مجموع آنچه را که دو گروه در باب نحوه دلالت آیه بر مدعایشان مطرح کرده اند به طور

خلاصه از این قرار است :

۱ . هر دو گروه به قرینه سیاق توجه کرده اند : سیاق میانی ؛ و ما اختلف الذین اوتوا الكتاب ، و سیاق پیشینی : فان حاجوک فقل اسلمت وجهی لله (آل عمران، ۲۰/۳) ، مستند کثرت گرایان است . سیاق پیشینی : فان اسلموا فقد اهدوا (آل عمران/ ۲۰) ، و سیاق «نحوی» آیه «وجود ال در خبر ان و دلالت بر حصر» از جمله مستندات انحصارگرایان است .

۲ . نوع الف و لام کلمه اسلام و تأکید بر اینکه الف و لام کلمه مختص «تعریف» است که با استناد به اصل تبادل دلالت آیه بر شریعت محمدی را نتیجه خواهد داد ، مسأله مورد توجه انحصارگرایان است . این در حالی است که کثرت گرایان نیز با استناد به اصل «تبادل» بر عکس انحصارگرایان ، معنای لغوی اسلام را مورد نظر این می دانند .

در مورد آیه ۸۵ نیز ، قرینه سیاق مورد توجه کثرت گرایان بوده است :

سیاق آیه و من یتغ غیر الاسلام دینا ، نیز برداشت انحصارگرایان را باطل می کند ، چه اینکه در سیاق آیه شریفه چندین مرتبه اسلام و مشتقات آن بکار رفته و در هیچ یک از این موارد اسلام اصطلاحی مسلمانان اراده نشده ، در آیه ۶۴ همین سوره خداوند می فرماید : اگر اهل کتاب از توحید و عبادت سرباز زدند بگو ای پیامبر ما مسلمانیم . این جمله نشان می دهد مسلمان در عرف قرآن یعنی کسی که خداپرست و موحد است و اگر اهل کتاب دعوت پیامبر را در همین مورد می پذیرفتند مسلمان بودند .^۷

انحصارگرایان در مورد این آیه نیز چون آیه قبلی با استناد به دو عنصر «سیاق» و «تبادل» سعی در اثبات دلالت آیه بر مدعای خود دارند :

مدعای ما مبنی بر حصر اسلام در آیه به آئین محمدی با نیم نگاهی به آیات پیشین آن روشن می شود . در آیات قبل سخن از میثاق خداوند از امت های پیشین مبنی بر تبعیت از پیامبران پسین از جمله حضرت محمد (ص) است . در این آیات اهل کتاب به دلیل نپذیرفتن نبوت حضرت محمد (ص) توبیخ شده اند ، در ادامه همین آیات آیه مورد بحث ما قرار دارد که با توجه به انسجام و عدم ناسازگاری بین آنها تعیین اسلام در شریعت محمدی (ص) ضروری است زیرا در صورتی که اسلام در آیه عام و شامل مطلق تسلیم باشد با آیات پیشین تناقض پیدا خواهد کرد...

علاوه بر این آنچه از واژه اسلام به ذهن متبادر می شود دین اسلام است نه مطلق تسلیم .^۸ لازم به ذکر است که انحصارگرایان بی توجه به قرائن درون متنی و برون

متنی خود آیه، از طریق دیگری نیز به تبیین مواد آیه پرداخته و سعی در اثبات دلالت آیه بر مدعای خود داشته‌اند:

حقیقت اسلام تسلیم محض الهی بودن است. با این حال این تسلیم در هر عصر در قالب یک دین آسمانی نمود و تجلی پیدا می‌کند و در عصر حضرت محمد(ص) حقیقت تسلیم جز با گرویدن به شریعت او محقق نمی‌شود.^۹

یکی دیگر از نویسندگان، در این باره چنین می‌گوید:

بر فرض که اسلام در همه آیات قدر مشترک میان ادیان باشد آیا معنای آن چیزی جز تسلیم در برابر دستورات و فرامین الهی است. واضح است که مقصود چیز دیگری نیست... بنابراین آیا می‌توان اثبات کرد که یهود و نصاری در برابر فرامین الهی تسلیم‌اند؟ پاسخ این پرسش هنگامی مثبت است که قرآن و نبوت پیامبر را نادیده بگیریم، و گرنه آنان تسلیم این دستور نبوده‌اند.^{۱۰}

بنابراین انحصارگرایان با ورود در حوزه بحث‌هایی تحت عنوان «کیفیت تحقق اسلام» یا «کیفیت تحقق تسلیم»^{۱۱} سعی دارند به هر طریق ممکن دلالت آیه بر نظریه خود را ثابت کنند. آنها بر این باورند که اگر هم بر فرض معنای لغوی اسلام در این آیات، مراد باشد باز هم توجه به مسأله دیگری ما را بر آن خواهد داشت، تنها دین خاتم را مد نظر آیه بدانیم و آن نکته مهم این است که اسلام در هر عصری در قالب دین همان عصر متجلی می‌شده در نتیجه در عصر نزول، اسلام تنها در قالب شریعت محمدی(ص) جلوه‌گر شده است.

دیدگاه مفسران

قبل از اینکه به بحث پیرامون مراد اصلی آیات با توجه به عناصر دخیل در دلالت آنها پردازیم. بهتر آن است که نگاهی هرچند کوتاه و گذرا به نظرات مفسران نیز داشته باشیم.

الف) تفسیر عقلی - اجتهادی

اکثر مفسران بر این باورند که اسلام در آیه مورد نظر همان دین خاتم و شریعت محمدی(ص) است. صاحب تفسیر التحریر و التنویر در این باره چنین می‌گوید:

والاسلام علم بالغلبه علی مجموع الدین الذی جاء به محمد(ص)... و هو الاطلاق المراد هنا.^{۱۲}

مفسر، ضمن اینکه اسلام را اسم علم برای مجموع دین حضرت محمد(ص) می‌داند، بر

این معنا تأکید می‌کند که در آیه ۱۹ آل عمران، اسلام بر چنین معنایی اطلاق شده است. به عبارت دیگر چون این واژه اسم علم برای دین خاتم است در هر بافت و سیاقی که به کار رود اولین معنایی که به ذهن متبادر سازد شریعت محمدیه است که در این آیه نیز همین معنا مراد شده است.

البته باید بدین نکته توجه ویژه داشت که از لوازم منطقی چنین برداشتی این است که در آیه هیچ «قرینه صارفه‌ای» که معنای دیگری غیر از معنای اصلی را منتقل سازد وجود ندارد، که عدم وجود چنین قرینه‌ای خود بحث و بررسی بیشتری را می‌طلبد.

برخی از مفسران ذیل آیه: ان الدین عندالله الاسلام، معنای لغوی واژه اسلام را تبیین و تشریح کرده‌اند: «ان الشرع المرضی عندالله هو الاسلام و الانقیاد لامرالله و نهیه و اعتقاد ما جاءت به الرسل من صفات الله تعالی...» و سپس «اختلاف» مذکور در عبارت بعدی آیه: و ما اختلف الذین اوتوا الكتاب...، را به انکار نبوت حضرت محمد و عدم پذیرش شریعت او از سوی اهل کتاب، مربوط دانسته‌اند، «اختلف اليهود والنصارى فى دين الاسلام، و انكروا نبوت محمد (ص)...»^{۱۳} از مجموع مطالب این گروه از مفسران^{۱۴} می‌توان نتیجه گرفت که آنها نیز معنای اصطلاحی اسلام را مورد نظر آیه می‌دانند. در واقع اگر آنها ذیل عبارت ابتدایی آیه، به تعریف اسلام پرداخته‌اند و عناصری چون: انقیاد و اطاعت محض از اوامر الهی را در این تعریف ذکر کرده‌اند درصدد تبیین شاخصه‌های شریعت محمدی (ص) بوده‌اند یعنی از همان ابتدا این معنا را که اسلام محمدی مد نظر آیه است پیش فرض دانسته و سپس درصدد بوده‌اند شاخصه‌های این دین را تبیین نمایند. بنابراین صرف اینکه برخی از مفسران ذیل عبارت ان الدین عندالله الإسلام، به اطاعت و انقیاد و سرسپردگی محض از اوامر الهی اشاره کرده‌اند، نباید این معنا را در ذهن تداعی نماید که آنها نیز چون کثرت گرایان بر این باورند که اسلام لغوی مد نظر آیه است.

ظاهراً برخی از مفسران نیز اسلام را در این آیه مفهومی دانسته‌اند که ناظر بر یک مصداق خارجی است و باید در پی کشف آن مصداق خارجی بود. آنگاه ضمن تأکید بر این مسأله که اسلام در هر دوره مصداق خاص خود را داشته، به این نتیجه می‌رسند که در عصر نزول نیز تنها مصداق بارز آن شریعت محمدیه (ص) است: ...

اما اذا انتهت المرحلة لأبتدا مرحلة جدیدة من خلال رسالة جدیدة، فان الاسلام تمثل

فی السیر علی خط هذه المرحلة جدیدة...^{۱۵}

به طور کلی می‌توان گفت اکثر مفسران، شریعت محمدی (ص) یا همان اسلام

اصطلاحی را مد نظر آیه می‌دانند.^{۱۶}

برخی مفسران نیز اسلام را بر معنای لغوی آن حمل کرده‌اند. در تفسیر طبری ذیل آیه، ابتدا به معنای لغوی اسلام اشاره شده: «الاسلام هو الانقیاد بالتذلل والخشوع»^{۱۷} سپس آمده است: فتأویل قوله ان الدين عندالله الاسلام: ان الطاعة التي هي عنده الطاعة له، الاقرار باللسن والقلوب له بالعبودية والذلة من غير الاستكبار عليه والانحراف عنه، دون اشراك غيره من خلقه في العبودية والالهوية.^{۱۸}

مفسر، با این فرض که «دین» در اینجا به معنای طاعت است، در تبیین معنای مورد نظر آیه چنین می‌گوید: عبادت مورد قبول نزد خداوند آن عبادتی است که با خضوع و خشوع در برابر او و اقرار زبانی و قلبی به وجود او همراه باشد و تنها ذات یگانه او مورد تقدیس و ستایش قرار گیرد و هیچ کس در مقام الوهیت او شریک قرار داده نشود. بنابراین مفسر بدون اشاره به مصداق بیرونی خاصی برای اسلام، تنها به عنوان یک مفهوم ذهنی و انتزاعی به بیان شاخصه‌های آن در تعریف می‌پردازد.

ذیل عبارت ما اختلف الذين اتوا الكتاب در این تفسیر چنین آمده است: و ما اختلف اهل الانجيل في امر عيسى (ع) و افتراءهم على الله فيما قالوه فيه من الاحوال التي كثر بها اختلافهم بينهم و تشتت بها كلمتهم.^{۱۹}

مفسر اختلاف مذکور در آیه را که به اهل کتاب نسبت داده شده، ناظر به اختلاف نظر مسیحیان درباره جایگاه حضرت عیسی می‌داند و متذکر می‌شود این مسأله و تفکرات نادرستی که راجع به خداوند داشتند، در نهایت وحدت کلمه آنها را دستخوش آسیب جدی نمود و باعث ایجاد دو دستگی در میان آنان شد.

بنابراین شاید بتوان گفت از دیدگاه مفسر، آیه درصدد اشاره به عدم پیروی نصاری از اصول و مبانی حقیقی دین مسیح و تبعات حاصل از آن است که در این صورت باید واژه اسلام مذکور در بخش آغازین آیه را به گونه‌ای معنا کرد تا سازمندی هر دو بخش آیه یا یکدیگر حفظ شود. در تفسیر المنار ذیل عبارت ان الدين عند الله الاسلام آمده است:

... يتناول جميع الملل جاء بها الانبياء ولانه روحها الكي الذي اتفقت فيه...^{۲۰}

ایشان در بیان معنای «اسلام» می‌گوید: اسلام پیام اصلی همه انبیا و روح کلی حاکم بر نهضتشان است که همگی در آن اتفاق نظر دارند.

وی در ادامه از قول استادش در تعریف مسلم حقیقی در حکم قرآن چنین می‌گوید: ان المسلم الحقيقي في حكم القرآن من كان خالصا من شوائب الشرك بالرحمن... من اي ملّة

کان و فی ای مکان وجد و زمان ... ۲۱

در عرف قرآن، بدون در نظر گرفتن شاخصه‌هایی چون: زمان، مکان و ملیت، مسلمان به اطلاق می‌شود که ایمانی خالصانه و دور از هر گونه شرک به خدا داشته باشد. آنچه با وضوح بیشتری نظر ایشان را در باب معنای اسلام در این آیه روشن می‌کند، تفسیری است که ذیل عبارت: و ما اختلف الذین اوتوا الكتاب، ارائه داده‌اند:

والجمله بیان لسبب خروج اهل الكتاب عن الاسلام جاء به انبیاؤهم فصاروا مذاهب و شیعا یقتلون ... ۲۲

همان‌طور که از توضیحات وی کاملاً مشهود است جمله: ما اختلف الذین اوتوا الكتاب الامن بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم، در صدد آن است تا علت و چگونگی انحراف اهل کتاب از «اسلامی که پیامبران خود آنها» مأمور به تبلیغ آن شده بودند، تبیین و تحلیل نماید. بدین ترتیب، اسلام مذکور در آیه را معادل با شریعت محمدی (ص) نمی‌داند. از تفسیر علامه ذیل آیه مورد بحث چنین برمی‌آید که ایشان نیز اسلام را به معنای شریعت محمدی (ص)، مدنظر آیه نمی‌داند.

بنابراین معنای آیه چنین می‌شود: دین در نزد خدای متعال یکی بیش نبوده و اختلافی در آن نیست و بندگان را جز بدان مأمور نساخته و در تمام کتاب‌هایی که بر پیغمبرانش فرستاده جز همان را بیان نکرده. آن هم دین اسلام است، اسلامی که عبارت از تسلیم شدن در برابر حق است. ۲۳

ب) تفسیر نقلی - روایی

در تفسیر البرهان ذیل آیه مورد بحث، روایات متعددی وجود دارد که برای نمونه به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. روی العیاشی عن محمد بن مسلم قال: سألته عن قوله تعالى: إن الدين عند الله الاسلام فقال: «الذي فيه الايمان.»

۲. علی بن ابراهیم قال: حدثني ابي: عن الحسن بن محبوب، عن علی بن رباب، عن حمدان بن اعین عن ابي جعفر (ع) قال: ان الله فضل الايمان على الاسلام بدرجة كما فضل الكعبة على المسجد الحرام بدرجة. ۲۴

با دقت در محتوای روایات تفسیری فوق، می‌توان به وضوح دریافت که ایشان اساساً با پیش فرض استعمال معنای اصطلاحی اسلام به تفسیر آیه پرداخته، مقایسه بین اسلام و

ایمان و تأکید بر ارجحیت ایمان نسبت به اسلام، از قرائن مؤید این مسأله است. چه، بنظر می‌رسد راوی در صدد بوده این نکته را گوشزد نماید که تدین صرف به شریعت محمدی که از نظر او معادل اسلام مذکور در آیه است، تنها ملاک نجات و رستگاری نیست بلکه ایمان قلبی و باورمندی عمیق درونی، اصلی‌ترین عناصر نجات بخش است، آنچه با وضوح بیشتری این معنا را تأکید می‌کند که راوی اسلام مذکور در آیه را همان شریعت محمدی دانسته روایتی است که در کتاب نورالثقلین آمده است:

علی بن ابراهیم عن ابیه عن ذکره عن یونس بن یعقوب عن ابی عبداللّٰه (ع) ... إن الاسلام قبل الایمان و علیه یتوارثون و یتناکحون و الایمان علیه یتأبون. ۲۵

با توجه به اینکه در این روایت به تفاوت بین اسلام و ایمان اشاره و ایمان تنها ملاک ثواب اخروی دانسته شده نه اسلام آوردن صوری و ظاهری که فقط ملاک اجرای احکام حقوقی اسلام در بین مردمان است، می‌توان نتیجه گرفت که بحث اساساً متوجه اسلام محمدی است.

به طور کلی نوع بحثها در روایات تفسیری شیعه ذیل آیه، به گونه ای است که کمترین ارتباطی به مسأله مورد نظر ما یعنی تفکیک بین اسلام لغوی و اصطلاحی و اطلاع از اینکه کدام یک در آیه استعمال شده، ندارد. البته باید بدین نکته توجه ویژه داشت که این روایات بیشتر با هدف «تطبیق» صادر شده‌اند و نه «تفسیر». ۲۶

در بین تفاسیر مأثور اهل سنت به روایاتی برمی‌خوریم که ظاهراً حاکی از آن است که روای بیشتر بر جنبه لغوی اسلام و تبیین شاخصه‌های کلی آن به عنوان قدر مشترک تمام ادیان الهی، نظر دارد. به عبارت دیگر در کلام آنها قرینه‌ای دال بر اینکه، به طور ویژه شریعت محمدی را مد نظر آیه بدانند وجود ندارد.

۱. حدثنا عبدالله بن سلیمان بن اشعث، حدثنا ابو معاذ، حدثنا ابو صالح عن ضحاک فی قوله ان الدین عندالله الاسلام، قال: لم ابعث رسولا الا بالاسلام. ۲۷ در روایت فوق اسلام به معنای پیام مشترک تمام ادیان الهی و هدف همه انبیا دانسته شده.

۲. حدثنا صمد بن یحیی، انبا ابو غسان، حدثنا سلمة قال: قال: صمد بن اسحاق «و ما اختلف الذی جاءک ان اللّٰه الواحد لا شریک له». ۲۸ در این روایت اختلاف اهل کتاب مربوط به مسأله عدم اعتقاد آنها به وحدانیت خدا، دانسته شده است.

۳. اخرج عبد بن حمید و ابن جریر عن قتاده فی قوله: ان الدین عندالله الاسلام، قال

الاسلام شهادة ان لا اله الا الله و الاقرار بما جاء به من عند الله ، و هو دين الله الذي بعث به رسله و دل عليه اولياءه... ۲۹

همانطور که ملاحظه می کنید، شاخصه هایی که در روایت فوق برای اسلام ذکر شده، شاخصه هایی کلی است که به نحو یکسان بر همه ادیان صدق می کند. در یک روایت نیز در تعریف اسلام به نماز و زکات اشاره شده که ظاهراً فرائض موجود در شریعت محمدی (ص) مورد نظر راوی است:

۴. حدثنا ابي ، حدثنا عبدالرحمن ، حدثنا... ان الدين عندالله الاسلام قال الربيع ، حدثنا العاليه قال : الاسلام الاخلاص لله وحده ، و عبادته لا شريك له ، و اقام الصلاة ، و اتياء الزكاة و سائر الفرائض . ۳۰

نقد و نظر

برای اینکه بدانیم کدام گروه، از آیات برداشتی درست و مطابق موازین تفسیری داشته اند و کدام گروه احیاناً در معنایابی آیه به چنان موازینی توجه نکرده اند و در نتیجه برداشتی غیرقابل قبول از آیات ارائه داده اند، معنا و مراد اصلی آیه و نحوه دلالت بر آن باید مشخص شود. برای دستیابی به این مهم آنچه بیش از هر چیز توجه بدان لازم و ضروری است، «سیاق» و «شأن نزول» آیات است که می تواند عوامل زمینه ای و بستر ساز نزول و همچنین اهداف مترتب بر نزول را که نقش مهمی در فهم مراد اصلی آیه دارند، مشخص کند. با توجه به قرائن مذکور، ابتدا آیه ۱۹ و سپس آیه ۸۵، مورد بررسی قرار می گیرد تا دلالت یا عدم دلالت آنها بر معنای مورد نظر انحصارگرایان، معلوم گردد.

آیه ۱۹ آل عمران

الف) شأن نزول:

محمد در روزه، بعد از اینکه سوره را به سه بخش تقسیم می کند، در مورد شأن نزول بخش اول آن چنین می گوید:

فی هذه السورة ثلاثة فصول طويله : الاول في صدد مناظره بين النبي و اهل الكتاب... لقد روى طبري و تابعه ان هذا الايات الى بضع و ثمانين آيه بعدها نزلت في مناسبة قدوم وفد من نصارى نجران و مناظراتهم مع النبي في صفات الله و المسيح... ۳۱

بنابراین بخش اول سوره که آیه مورد بحث ما نیز در آن قرار دارد، به تصریح دروزه و همچنین طبری، در جریان مشکل گیری مناظره بین پیامبر و اهل کتاب، نازل شده است. دروزه در بخش دیگری از مطالب خود پیرامون شأن نزول این آیه چنین می گوید:

... و من المحتمل ان تكون في صدد المشهد الاول من المشاهده المناظره بين النبي و هذا الوفد... ۳۲

دروزه این احتمال را می دهد که این آیه در همان مراحل آغازین مناظره نازل شده باشد. بنابراین در باب مناسبت نزول، باید آیه را مربوط به مناظره بین پیامبر و مسیحیان دانست. اما نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد موضوع محوری مناظره و اهداف مترتب بر آن است: آیات ۴۲ تا ۵۹ این سوره به زندگی حضرت عیسی (ع) و چگونگی خلقت او اختصاص دارد و در آیه ۵۹ نیز به عنوان نتیجه گیری کلی از آنچه که درباره سرگذشت حضرت عیسی (ع) بیان شد آمده؛ ان مثل عیسی عندالله کمثل آدم خلقه من تراب.

در آیه ۶۱ این سوره نیز خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: فمن حاجک فيه من بعد ما جائک من العلم فقل تعالوا ندرع ابناءنا اگر نصاری با اطلاع از چگونگی خلقت حضرت عیسی و همچنین آگاهی از شأن و مقام واقعی او در نزد خدا به عنوان یک «رسول» و «عبد» باز هم حاضر به پذیرش سخنان تو در این مورد نشدند و به مجادله ادامه دادند، با آنها مباحله کن. مجموع این آیات که در نهایت به مباحله بین طرفین مناظره ختم می شود، نشانگر آن است که موضوع اصلی مناظره بین پیامبر و نصاری، بحث درباره شأن و مقام واقعی حضرت عیسی (ع) در نزد خداوند بوده، در واقع پیامبر با این هدف که مقام و جایگاه واقعی حضرت عیسی (ع) را به عنوان یک «عبد» و «رسول» تبیین نماید، این مناظره را ترتیب داد. علامه در تفسیر المیزان درباره هدف نصاری از حرکت به سمت مدینه چنین می گوید:

... آمدن نصاری نجران به مدینه تنها و تنها برای مبارزه با رسول اکرم (ص) و احتیاج

به آن حضرت درباره عیسی بود. ۳۳

نکاتی که پس از اطلاع از شأن نزول به دلیل نقش مهم آنها در کشف مراد اصلی آیه، باید مورد توجه ویژه قرار گیرد به طور خلاصه از این قرار است:

۱. مسببان اصلی نزول یعنی مسیحیان و توجه به اعتقادات و باورهای دینی آنها،
۲. هدف آنها از حرکت به سمت مدینه که همان دفاع از باورهای دینی خود درباره مقام و جایگاه حضرت عیسی بوده؛

۳. توجه به هدف پیامبر از طرح گفت و گو با آنها یعنی تبیین مقام واقعی حضرت عیسی در نزد خداوند بعنوان «عبد» و «رسول»؛

۴. شکل گیری «مناظره» بین پیامبر و مسیحیان نجران و توجه به شرایط لازم برای دستیابی به اهداف مورد نظر.

حال باید با توجه به شرایط موجود و اسباب نزول آیه، در صدد تبیین مراد و معنای آیه بود. با توجه به هدف مسیحیان از حرکت به سمت مدینه، شاید بتوان گفت توجه دادن اهل کتاب به این نکته اساسی که «دینداری» آنها با توجه به دیدگاه خاصی که نسبت به حضرت عیسی دارند با اصلی ترین و اساسی ترین عنصر مقوم «دین»، یعنی تسلیم محض در برابر خدا، در تعارض کامل است، هدف اصلی پیامبر از طرح گفت و گو با آنها بود.

در واقع مسیحیان نجران در پی آن بودند که با موجه جلوه دادن باور خود نسبت به حضرت عیسی از این آموزه اعتقادی خود پاسداری نمایند و پیامبر اسلام نیز در صدد بودن تا به آنها تفهیم نماید آنچه آنان می‌پندارند به علت انکار مهم ترین رکن دین یعنی تسلیم، به هیچ وجه قابل دفاع نیست.

در چنین موقعیتی و برای اینکه اهل کتاب متوجه چنین تعارضی شوند لازم بود تا دین در مقام «تعریف» بدون نظر داشت به مقام «تحقق» تبیین شود.

این آیه با ارائه تعریفی از دین با تأکید بر عنصر مقوم آن یعنی «تسلیم محض در برابر خدا این امکان را فراهم می‌آورد تا اهل کتاب با مقایسه بین اعتقادات و باورهای خود «دین در مقام تحقق» با دین در مقام تعریف (که پیروان ادیان آسمانی نه تنها منکر آن نیستند، بلکه مدعی اند دینداری آنها واجد تمام شاخصه های موجود در تعریف دین است) میزان انطباق بین دین و دینداری خود را ارزیابی کنند. تا با اطلاع از عدم انطباق بین این دو حوزه، به انحراف خود از خط اصیل دین واقف شوند.

به عبارت بهتر، تفهیم این نکته به مسیحیان، که آنچه آنان بدان اعتقاد دارند با تعریفی که از دین وجود دارد و همگان آنرا پذیرفته اند، متعارض است، هدف از نزول آیه بود. در نتیجه باید گفت: تفاوت بین مقام تعریف و تحقق و اقتضای شرایط برای بازنگری مجدد به تعریف دین است که استعمال معنای لغوی اسلام در آیه را تأیید می‌کند.

توجه به گفت و گو بین مسیحیان نجران و پیامبر، در مسجد به روشنی این موضوع را تأیید می‌کند، «هنگام ورود وفد نجران به مسجد و ملاقات با پیامبر، حضرت خطاب به آنها

می فرماید: «اسلما» و نمایندگان آنها در پاسخ به پیامبر می گویند: «قد اسلمنا قبلک» ولی پیامبر می فرماید: «کذبتما، لمنعکما من الاسلام دعاؤکما لله ولدا و عبادتکما الصلیب». «۳۴ همان طور که ملاحظه می کنید وفد نجران در پاسخ به پیامبر که آنها را به اسلام فراخوانده بود، مدعی شدند که قبل از ایشان، اسلام آورده اند. با توجه به این پاسخ و همچنین اینکه پیامبر «اعتقاد به فرزند داشتن خدا» و «عبادت صلیب» را به عنوان عناصر معارض با اسلام آنها معرفی می کند، می توان به روشنی فهمید که اسلام مورد بحث در این گفت و گو و همچنین اسلام مذکور در آیه نازل شده در فضای این گفت و گو، نمی تواند به معنای اصطلاحی کلمه باشد، چه، در چنین صورتی هرگز نه اهل کتاب مدعی ایمان به آن می شوند و نه پیامبر تنها عبادت صلیب و اعتقاد به فرزند داشتن خداوند را به عنوان عناصر محل اسلام آنها معرفی می کرد. در واقع موضوع محوری که بستر ساز شکل گیری مباحثه و گفت و گو بین طرفین می باشد، اسلام به عنوان قدر مشترک میان تمام ادیان است.

مطلب دیگری که توجه بدان لازم است شرایط حاکم هنگام نزول یعنی فضای گفت و گو و مناظره است، ارائه تعریفی از دین بدون نظر داشت به مصادیق خارجی آن، جدای از اینکه یک عمل راهبردی، متناسب با اهداف طرفین از طرح گفت و گو با یکدیگر و موضوع اصلی مورد بحث آنها (جایگاه حضرت عیسی (ع) است، اقتضائات و التزامات و بطور کلی شرایط لازم برای تحقق مقاصد مناظره نیز مطابقت می کند. توضیح اینکه، با شکل گیری مناظره، هر کدام از طرفین برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود لازم است باب گفت و گو را از موضوعات مورد تفاهم آغاز نمایند. بنابراین وقتی پیامبر با استناد به آیه نازل ان الدین عندالله الاسلام مسیحیان را متوجه عنصر اساسی دین یعنی تسلیم، می کند، بحث به گونه ای آغاز شده، که مسیحیان نه تنها قادر به مخالفت با آن نیستند، بلکه مدعی اند دینداری شان اساساً واجد چنان شاخصه ای است. در واقع بحث از نقطه ای شروع شده که امکان عکس العملهای تند و خصمانه مسیحیان در همان آغاز بحث بکلی منتفی می شود و زمینه مساعد برای اینکه طرفین در یک فضای مناسب بحث را دنبال کنند، فراهم می گردد.

البته ما هرگز منکر این معنا نیستیم که یکی از وظایف پیامبر دعوت اهل کتاب به شریعت خود بوده است اما مسأله مورد توجه، شکل گیری یک گفت و گوی بین الادیانی بین طرفین به صورت یک مناظره و مباحثه می باشد، که برای تحقق اهداف مورد نظر، شرایط خاص خود را می طلبیده، که از جمله آنها، شروع بحث با تکیه بر موضوعات مورد تفاهم طرفین

است، و چون آیه مورد نظر نیز در مراحل اولیه مناظره نازل شده، اسلام به معنای قدر مشترک بین تمام ادیان، به عنوان موضوعی که هر دو طرف در آن اتفاق نظر دارند، مد نظر آیه بوده است.

بنابراین اگر پیامبر قصد فراخوان اهل کتاب به شریعت محمدیه را داشته، برای تحقق چنین هدفی لازم بوده حداقل در مراحل آغازین گفت و گو با آنها بحثی از اسلام، بعنوان مجموعه‌ای از اخلاقیات، عبادیات و احکام حقوقی - جزائی مدون در قالب شریعت محمدیه (ص) به میان آورده نشود و در مراحل پایانی بحث به آن اشاره گردد.

بنابراین، توجه به موضوع و هدف از گفت و گو بین مسیحیان نجران و پیامبر و همچنین ارائه این گفت و گو در قالب یک مناظره و مباحثه بین الادیانی که هر کدام از طرفین سعی در اثبات مدعای خود و ابطال مدعای طرف مقابل دارد و برای حرکت در این مسیر باید قواعدی را رعایت کنند، در نهایت ما را به این نتیجه می‌رساند که اسلام به عنوان قدر مشترک میان ادیان مراد اصلی آیه بوده است.

ب) سیاق

سیاق پیشینی:

توجه به قرینه سیاق نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، آیه ۱۸ سوره آل عمران: *شهد الله انه لا اله الا هو، که یکتایی و وحدانیت خداوند در آن مورد تأکید قرار گرفته، می‌تواند به نحوی مؤید استعمال معنای لغوی اسلام در آیه باشد.*

به تأکید اکثر مفسران آیه ۱۹، بدل یا عطف بیان آیه قبلی است. بنابراین اسلام به عبارت دیگر همان وحدانیت و یکتایی خداوند است.

سیاق میانی:

الف) از دیگر قرائن مورد توجه در این بخش، سیاق میانی و عبارت «عند الله» است. این قید بر سطح خاصی از این دلالت می‌کند که ادیان تحقق یافته در خارج (ادیان آسمانی) همگی مرتبه نازل شده آن سطح هستند.

برای روشن شدن، مقصودمان از سطح دین، به بخشی از مطالبی که در کتاب مبانی کلامی اجتهاد، ذیل عنوان «سطوح مختلف دین» آمده، اشاره می‌کنیم. نویسنده پس از اینکه، دین را به چهار سطح مختلف تفکیک می‌کند، در باب هر یک از این بخشها چنین می‌گوید:

۱. دین نفس الامری: آنچه در عالم الهی و مشیت ربانی برای هدایت انسانها به سوی رستگاری وجود دارد، دین نفس الامری است. این نسخه رستگاری بشر در لوح محفوظ حقیقتی عینی و واقعیتی ثبوتی است. ۲. دین مرسل: آنچه از سوی خداوند برای هدایت انسان به واسطه رسولان الهی ارسال شده است. ۳. دین مکشوف: آنچه از دین نفس الامری با دین مرسل با مراجعه به عقل یا نقل برای افراد آشکار می شود. ۴. دین نهادی: آن بخش از دین مکشوف که عمومی می شود و نهاده می گردد و به صورت آیین گروهی از مردم در می آید. ۳۵

نویسند در ادامه با اشاره به کاربردهای مختلف دین در عبارات گوناگون، آیه: ان الدین عندالله الاسلام، را به عنوان شاهد مثال استعمال معنای نفس الامری دین، ذکر می کند:

... ما در کاربردهای مختلف لفظ دین نیز می توانیم این مراتب را باز یابیم، هنگامی که از دین یگانه الهی سخن می گوئیم و آنرا اسلام می نامیم «ان الدین عندالله الاسلام» یا عقاید ناصحیح را از ساحت دین خارج می کنیم به دین نفس الامری توجه داریم. وقتی می گوئیم دین حضرت ابراهیم دین توحیدی بود، در دین حضرت موسی احکام سختی وجود داشت. دین اسلام، دین خاتم است. در تمام این جملات مراد ما از دین، دین مرسل است، زمان که دین اشخاص را مورد توجه قرار می دهیم و دین صدرالمتالهین را با دین مجلسی می سنجم، به دین مکشوف آنها نظر داریم و بالاخره وقتی با پدیده دین مسیحی در روزگار خود سروکار داریم و آن را فاقد شریعت می دانیم یا اناجیل اربعه را منبع دین مسیحی تلقی می کنیم... به دین نهادی توجه داریم. ۳۶

بنابراین با استناد به مطالب نویسنده می توان گفت: در عبارات: دین حضرت ابراهیم، دین حضرت موسی و دین خاتم، با توجه به مضاف الیه می توان فهمید دین در این عبارات ناظر به چه سطحی از آن است و گوینده به چه مرتبه ای از آن اشاره دارد. در مورد آیه ۱۹ نیز، عبارت توضیحی «عندالله» به سطح مورد نظر گوینده که همان دین نفس الامری است دلالت دارد. در واقع قید «عندالله» خود قرینه دیگری است بر اینکه در آیه مورد بحث، شأن نازل شده و تحقق یافته دین در خارج در قالب ادیان آسمانی و به عبارتی جنبه مصداقی و عینی آن مد نظر نیست تا بتوان آن را همان دین خاتم، که جنبه عینیت یافته دین است، دانست.

در واقع آیه، بر این مطلب تأکید دارد که طرح و برنامه الهی برای هدایت تمام انسانها در طول تاریخ، در قالب اسلام مدون شده بود و بعد تمام ادیان آسمانی با الهام از این منبع الهی،

در جهان خارج به مرحله ظهور و بروز رسیدند و به تناسب شرایط زمانی و مکانی دارای ویژگی های خاص خود شدند.

بنابراین اسلام مذکور در آیه اشاره به مرتبه آسمانی دین (طرح الهی برای هدایت انسان - دین در لوح محفوظ) دارد که سرمنشأ انواع گونه گون دین در مرتبه ی زمینی آن است.

ب) در بخشی سیاق میانی دو مفهوم کلیدی وجود دارد. ۱. تأکید بر این که دین، تنها اسلام است که دلالت بخشی ابتدایی آیه بر حصر مؤید این مفهوم است. ۲. عدم اختلاف در دین که از عبارت «ما اختلف الذین اوتوا الكتاب» قابل استفاده است.

معنای محصل آیه که با لحاظ کردن دو مفهوم کلیدی مذکور، به دست می آید از این قرار است: دین یکی است و اختلافی در آن نیست. ۳۷ به عبارت روشن تر با وجود تنها یک دین هیچ گونه تعدد و تکثری در این حوزه راه ندارد.

در واقع اگر این فرض پذیرفته شود که آیه درصدد تأکید بر وحدت دین یعنی وجود تنها یک دین و نفی دین های مختلف و متعدد می باشد، آنگاه با توجه به اینکه در طول تاریخ بشر، ادیان الهی بزرگی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام، ظهور کردند و این حادثه نه تنها یک اصل پذیرفته شده تاریخی است بلکه قرآن نیز در آیه: لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجاً، (مائده، ۴۸/۵) آن را مورد تأیید قرار داده است، این سؤال مطرح می شود که وحدت منظور با کثرت موجود چگونه با هم قابل جمع اند یعنی یگانگی و وحدت دین را چگونه باید تحلیل و تبیین نمود که با این واقعیت تاریخی سازگار افتد؟

سعی در یافتن پاسخی برای این پرسش است که در نهایت ما را به جوهره اصلی ادیان که از آن تحت عنوان «تسلیم محض در برابر خداوند» یاد می کنند، رهنمون می نماید و ذهن را به سمت این نکته سوق می دهد که آنچه مورد نظر آیه می باشد اصل دین یا همان قدر مشترک میان تمام ادیان است. به همین دلیل است که این وحدت را باید متوجه بُعد خاصی از دین دانست که ذاتاً تغیر و تبدل پذیر نیست. این در حالی است که اعتقادات و باورهای اهل کتاب «ثلیث - ثنویت» به نوعی ایجاد تکثر و تشت در عنصر ذاتاً غیر قابل تکثر دین یعنی «اصل یکتایی خدا و لزوم اطاعت مطلق از او» می باشد.

خلاصه اینکه: اگر بتوان از عبارت «ما اختلف الذین اوتوا الكتاب» این استفاده را کرد که در دین تکثر و تعدد راه ندارد و آنگاه این مفهوم را در کنار عبارت ابتدایی آیه که یکی بودن دین را تأکید می کند قرار داد و به این نتیجه رسید که نفی اختلاف و تکثر در حوزه دین و تأکید بر

وحدت آن مد نظر آیه بوده است، آنگاه برای جمع بین این وحدت و کثرت موجود، باید جوهره اصلی تمام ادیان و روح جاری و ساری در تمام این کثرات موجود را در تحلیل این وحدت، مطرح کرد. در چنین صورتی اسلام مذکور در آیه بر معنای لغوی آن قابل حمل خواهد بود.

آیه ۸۵، آل عمران

برای کشف معنای مورد نظر این آیه نیز، چون آیه قبلی، توجه به دو عنصر موثر در دلالت بخشی آیات، یعنی سیاق و شأن نزول ضروری است.

۱. سیاق پیشینی:

الف) آیه ۸۱ / آل عمران، از جمله آیاتی است که انحصارگرایان در اثبات استعمال معنای اصطلاحی اسلام در آیه اصلی، بدان استناد می کنند.

و اذ اخذ الله ميثاق النبيين لما آتيتكم من كتاب و حكمة ثم جاءكم رسول مصدق لما معكم لتؤمنن به ولتنصرته...؛ هنگامی که خدا از پیامبران پیمان گرفت که پس از آنکه کتاب و حکمت به شما دادم و آنگاه پیامبری آمد که کتاب شما را تصدیق کرد، ایمان آورید و یاریش کنید. خداوند در این آیه صراحتاً از امت های پیامبران می خواهد تا به پیامبر بعدی ایمان آورده و او را یاری کنند، بر این اساس، هر پیامبری در صورت حضور در زمان پیامبر بعدی، موظف به تبعیت از اوست.

بنابراین، آیه تعریضی است به اهل کتاب و می خواهد آنها را متوجه این نکته نماید که آنها نیز بعنوان امت رسول پیشین باید از حضرت محمد(ص) به عنوان پیامبر نو ظهور، تبعیت کنند. ب) در آیه ۸۴ این سوره چنین آمده است:

قل اٰمَنَّا بِاللّٰهِ و ما انزل علینا و ما انزل علی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و النبیین من ربهم لا نفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون؛ «ای پیامبر به آنان» بگو به خدا ایمان آوردیم و نیز به آنچه بر ما و ابراهیم، اسماعیل، اسحق، یعقوب و نوادگان او نازل گردیده است و نیز آنچه که از جانب پروردگار به موسی و عیسی و پیامبران دیگر داده شده است. با توجه به مضمون آیه، می توان گفت پیامبر مأموریت داشت یکی از آموزه های اصیل شریعت خود، یعنی لزوم ایمان به تمام پیامبران را به اهل کتاب بشناساند.

۲. سیاق میانی:

آیت الله محمد صادقی در تفسیر الفرقان، در بخش سیاق میانی، با استناد به عبارت «وَمَنْ

بیتغ» اسلام مذکور در آیه را ناظر به شریعت محمدی (ص) می داند:

الاسلام هنا یخص الاسلام الاخیر... فالنص هنا (و من بیتغ) یشمل منذ ذلک الاسلام

حتی یوم القیامه و اما سابق الاسلام لا یشمل صیغه الاستقبال. ۳۸

نکته مورد توجه مفسر، عبارت «و من بیتغ» و مضارع بودن است. از دیدگاه ایشان، چون آیه متعرض حال کسانی است که در «عصر نزول» در جست و جوی دینی غیر از اسلام هستند و در آن عصر نیز تنها شریعت محمدیه (ص) مصداق بارز اسلام بوده است، باید گفت هدف از نزول آیه معرفی شریعت محمدی به عنوان تنها دین مقبول خداوند است.

مفسر بر این معنا تأکید می کند که هر چند اسلام دارای مفهوم عامی است که تمام ادیان الهی را شامل می شود، اما چون موضوع مورد بحث آیه جست و جوی دین در عصر نزول و پس از آن است و در این مقطع زمانی تنها شریعت خاتم مصداق اسلام می باشد، سایر ادیان آسمانی از دایره شمول این مفهوم خارج می شوند.

۳. شأن نزول:

بر اساس روایات شأن نزول این آیه در مراحل پایانی مناظره بین پیامبر و مسیحیان نازل

شده است. ۳۹

با دقت در مضامین آیات ۸۱ و ۸۴ این سوره می توان به این نتیجه رسید که با نزدیک تر

شدن به مراحل پایانی مناظره، رویکرد جدیدی در نوع مواجهه پیامبر با اهل کتاب با اهل کتاب مشاهده می شود، با نزول آیه میثاق که از آن لزوم تبعیت اهل کتاب از پیامبر اسلام، استفاده می شود، می توان به روشنی فهمید که پیامبر در این مرحله قصد دارد تا آنها را به شریعت خود فراخواند. مضمون آیه ۸۴، که در آن پیامبر اهل کتاب را متوجه یکی از آموزه های اساسی دین خود را (ایمان به تمام پیامبران) می نماید، این نظر را تأیید می کند.

در واقع می توان گفت، هر چند در مراحل ابتدایی بحث، به علت این که گفت و گو بین طرفین بر موضوع خاصی مبتنی بود و هدف خاصی را دنبال می کرد و چون گفت و گو در قالب مناظره، صورت می پذیرفت، اقتضا می کرد بحث بیشتر جنبه مفهومی داشته باشد و دین در حوزه تعریف تبیین شود، تا ضمن هماهنگی با موضوع و هدف گفت و گو، از عکس های خصانه طرف مقابل (اهل کتاب) در همان ابتدای بحث، جلوگیری کند، اما در مراحل پایانی مناظره، بحث بیشتر جنبه مصداقی و عینی پیدا می کند و سخن از دین، با توجه به مصداقی تحقق یافته آن در خارج، به میان می آید.

با ابلاغ آیه ۸۴، پیامبر یکی از آموزه های دینی مسلمانان را به اهل کتاب می شناساند و این مسأله خود بیانگر آن است که دین نازل شده یا تحقق یافته در خارج یعنی دین خاتم موضوع مورد بحث در این بخش از گفت و گو است، به عبارت بهتر، تبیین این موضوع که پیامبر و امت او به عنوان مسلمان، دارای چه نوع اعتقاداتی هستند، مؤید جهت گیری بحث به سمت حوزه مصداقی و عینی دین می باشد.

تمرکز بحث بر جنبه مصداقی دین و توجه دادن اهل کتاب به یک آموزه اساسی اسلامی یعنی اعتقاد و ایمان به تمام پیامبران که لزوم تبعیت اهل کتاب از حضرت محمد (ص) را نیز می نمایاند، در نهایت ما را به این نتیجه می رساند که اسلام اصطلاحی مد نظر آیه است. در واقع نفس سخن گفتن از آموزه ها و مبانی اعتقادی یک دین، ورود بحث به حیطه مصداقی و حیثیت عینیت یافته دین را نشان می دهد که در آیه ۸۴ چنین مطلبی مشهود است، و تأکید بر نوع آموزه، که ایمان به پیامبر اسلام از سوی اهل کتاب را لازم می شمرد. (آیه ۸۱) فراخوان آنان به پذیرش شریعت محمدی (ص) را اثبات می کند.

البته عبارت «و من یتبع» خود می تواند به عنوان قرینه ای بر استعمال اسلام اصطلاحی، مطرح شود، چه، هنگامی که سخن از جست و جوی دین به میان می آید، در واقع بحث بر سر ایجاد رابطه ملموس انسان و یک دین می باشد و هر کجا که چنین رابطه ای وجود دارد طبیعتاً در یک طرف این رابطه انسان و در یک سوی دیگر آن یک دین عینیت یافته وجود دارد، به عبارت بهتر، هنگامی که انسان دینی را جست و جو می کند، این بررسی و تحقیق، در حوزه مصادیق تحقیق یافته دین در خارج، صورت می پذیرد.

در نتیجه باید گفت پیام مورد نظر آیه، که با هشدار به انسان ها آنها را از گزینش دینی غیر از اسلام، بر حذر می دارد، این است که از دایره شمول مصادیق عینی دین در خارج «یهودیت، مسیحیت، دین خاتم = اسلام»، تنها دین خاتم را بپذیرند و خود را ملزم به پیروی از آن نمایند. در این صورت این آیه می تواند در شمار مستندات موجه و قابل دفاع انحصارگرایان قرارگیرد.

جمع بندی و خلاصه بحث

از مجموع آنچه در باب دلالت آیات ۱۹ و ۸۵ آل عمران بیان شد می توان نتیجه گیری را بدین صورت مطرح کرد:

در مراحل اولیه مناظره، که مقارن با نزول آیه ۱۹۶ نیز می باشد، با توجه به موضوع و

هدف از گفت و گو، تمرکز بحث بر جنبه مفهومی صرف و ارائه تعریفی از دین و تبیین دین در مقام تعریف، ضروری به نظر می رسد. علاوه بر این اگر هم فرض کنیم پیامبر در صدد بود از هر موقعیت پیش آمدن برای فراخوان اهل کتاب به شریعت محمدی (ص) استفاده کند و آمده مسیحیان نجران به مدینه و دیدار ایشان با پیامبر یکی از همین موقعیت های مناسب بود، اتخاذ چنان موضعی در ابتدای بحث (تبیین دین در مقام تعریف بدون نظر داشت به مصادیق خارجی آن) خود می توانست زمینه ساز دستیابی ایشان به اهداف تبلیغی (دعوت به دین خاتم) نیز باشد. چرا که وقتی پیامبر در صدد تعریفی از دین با تأکید بر عنصر مقوم آن یعنی تسلیم، برمی آید در واقع موضوع مورد توافق طرفین را مطرح و با جلوگیری از موضع گیری و مخالفت آنان در همان ابتدای بحث، زمینه مساعد برای ادامه گفت و گو را فراهم می آورد تا اینکه در نهایت در مراحل پایانی مناظره صراحتاً، شاهد فراخوان اهل کتاب به شریعت محمدی (ص) می باشیم.

بنابراین در یک نگاه کلی به مجموع آیات بخش اول و بخش پایانی مناظره، یعنی در آیات ۱۸، ۱۹، ۶۱، ۸۱، ۸۴ و ۸۵، می توان شاهد یک حرکت تدریجی و گام به گام در جهت فراخوان اهل کتاب به اسلام بود.

به طور خلاصه می توان گفت، پیامبر در مراحل ابتدایی مناظره، با تبیین جایگاه واقعی حضرت عیسی نزد خداوند از یک طرف و ارائه تعریفی از دین که مورد پذیرش همه دینداران است، از سوی دیگر، اهل کتاب را متوجه عدم تطابق بین باورها و اعتقاداتشان و دین به مفهوم عام کلمه، می نماید و در نهایت در مراحل پایانی مناظره در صدد تأکید بر این نکته اساسی است که لازمه تحقق عملی آنچه در دین در مقام تعریف وجود دارد، تمسک به شریعت محمدی (ص) است. یعنی اصلی ترین عنصر مقوم دین که همان تسلیم در برابر خداوند می باشد، «ان الدین عندالله الاسلام» در دین خاتم «و من یتبع غیر الاسلام دینا...» قابل بازیابی است.

نقد دیدگاه انحصارگرایان در باب نحوه دلالت آیات

نویسنده کتاب قرآن و پلورالیزم، با استناد به آیه ۲۰ آل عمران به عنوان سیاق پسینی، معتقد است هر چند در آیه اصلی اسلام بر یک مفهوم عام که شامل تمام ادیان آسمانی می شود دلالت دارد اما آیه بعدی این مفهوم عام را مقید کرده و آنرا تنها مختص دین خاتم دانسته است. به نظر نویسنده، عبارت «فان اسلموا فقد اهتدوا» در آیه ۲۰، مقید و مخصص

مفهوم عام اسلام در آیه ۱۹ می باشد. ضمن اینکه چگونگی این تخصیص چندان روشن نیست نکته جالب توجه در این مورد این است که کثرت گرایان نیز عیناً با استناد به همین آیه ۲۰، برخلاف انحصارگرایان، آنرا دال بر استعمال معنای لغوی اسلام در آیه ۱۹ می دانند. به نظر می رسد آیه ۲۰، که در آن عبارت «اسلمت وجهی لله...» نیز وجود دارد، بیشتر می تواند دلالت بر استعمال معنای لغوی «اسلام» در آیه ۱۹ داشته باشد.

در مورد نوع «ال» بکار رفته در واژه «اسلام» نیز اختلاف نظر وجود دارد. کثرت گرایان آنرا «ال» جنس انحصارگرایان آنرا «ال» تعریف می دانند و بر این باورند که چون «اسلام» در آیه مورد بحث با «ال» تعریف آمده، باید دین خاصی مد نظر آیه باشد.

البته کثرت گرایان نیز معتقدند اگر هم «ال» موجود در کلمه اسلام الف و لام تعریف باشد باز هم باید گفت آنچه این واژه در ذهن مخاطبان عصر نزول متبادر می ساخته مطلق تسلیم در برابر خدا بوده نه، اسلام به معنای دین خاتم، در واقع کثرت گرایان سعی دارند با رجوع به اصل تبادر، به هر طریق ممکن ثابت کنند که در آیه اسلام به معنای شریعت محمدی (ص) نیست.

برای مشخص کردن نوع «ال» بکار رفته در واژه اسلام باید ابتدا به خود آیه، سیاق و قرائن موجود مراجعه کرد. همان طور که قبلاً هم متذکر شدیم. قرائن حاکی از آن است که معنای لغوی اسلام در آیه مدنظر است، در نتیجه باید گفت «ال» موجود در اسلام نیز «ال» جنس است. قال توجه اینکه این سیاق و بافت کلام است که نوع «ال» را نیز مشخص می کند و بدون توجه به آن نمی توان در مورد آن اظهار نظر کرد.

انحصارگرایان به نحو دیگری نیز در باب چگونگی دلالت آیه و بطور کلی آیاتی که اسلام در آنها دین مورد رضایت و مقبول خداوند خوانده شده بحث کرده اند. آنها معتقدند این کیفیت و نحوه تحقق تسلیم است که در نهایت ما را بر آن می دارد تا تنها شریعت محمدی (ص) را مورد نظر آیه بدانیم، چه اسلام در هر زمانی در یکی از ادیان آسمانی متجلی می شده، اما در عصر نزول تنها در دین خاتم و شریعت محمدی (ص) تجلی یافته است.

البته، نمی توان به هیچ وجه این مسأله را که اسلام در زمان حضرت محمد (ص) تنها در شریعت او متجلی شده، به عنوان یک واقعیت دینی و تاریخی انکار کرد، اما به نظر می رسد این مسئله ربطی به دلالت آیه که اطلاع از آن هدف ما است، ندارد. معنا و مراد اصلی آیه و نحوه دلالت آن بر معنا، با توجه به شأن نزول، سیاق، فضا و موقعیت زمانی و مکانی نزول، مخاطبان

و...، مشخص می‌شود و ما با توجه به تمام عوامل مذکور، به این نتیجه رسیدیم که آیه درصدد تعریف دین با توجه به عنصر مقوم آن (تسلیم) است، اما اینکه این عنصر چگونه محقق می‌شود و یا چه شرایطی برای تحقق آن لازم است، موضوعی نیست که در حوزه دلالت آیه، بگنجد و آیه در مقام بیان آنها باشد. به عبارت دیگر، کشف دلالت آیه با توجه به معیارها و موازین تعریف شده در علم تفسیر، هدف ما از بحث و بررسی پیرامون آیه مورد نظر است اما مطلبی که انحصارگرایان در باب نحوه تحقق اسلام و... بیان کرده‌اند به نظر می‌رسد بحثی خارج از محدوده تفسیر آیه است.

۱. محمدبهرامی، نجات بخشی ادیان در پرتو قرآن، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ش ۳۱/۱۰۶.
۲. محمد حسن قدردان قرامتلکی، قرآن و پلورالیزم/۱۱۶، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
۳. محمد بهرامی، نقدی بر قرآن و پلورالیزم، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ش ۲۳/۱۵۱.
۴. انحصارگرایان به این قاعده ادبی، که وجود(ال) در خبر(ان) دلالت بر حصر دارد استناد می‌کنند.
۵. پلورالیزم دینی در گفت و گو با استاد محمد تقی جعفری، مجله نقد و نظر، ش ۳-۳۳۴.
۶. قرآن و پلورالیزم/۱۱۶.
۷. نجات بخشی ادیان در پرتو قرآن، ش ۳۱/۱۰۷.
۸. قرآن و پلورالیزم/۱۲۶.
۹. همان/۱۵۰، عبدالحسین خسرو پناه در کتاب کلام جدید قریب به همین مضمون را به نقل از شهید مطهری بیان می‌کند. (کلام جدید/۲۰۰)
۱۰. سید موسی حسینی، نجات بخشی ادیان در ترازوی نقد، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، ش ۳۳/۱۳۷.
۱۱. تحت چنین عنوانی یا عنوان «اسلام در عرف قرآن در کتب» یا «الرسول و الرسالات، عمر سلیمان الاشقر/ ۲۴۳؛ الاسلام و الايمان و الفرق بينهما، الشيخ محمد فوج الله/ ۹۷؛ القرآن و الدوله، محمد خلف الله/ ۳۵» به طور مبسوط بحث شده است.
۱۲. محمد طاهر بن عاشور، التحرير و التنوير، ۳/۱۸۹، تونس: دارالتونسيه للنشر.
۱۳. محمد الامين بن عبدالله الارمی، حدائق الروح و الريحان، ۴/۲۲۷، بیروت: دارالطريق النجاة، ۱۴۲۱.
۱۴. عبدالله محمود شماته، التفسير القرآن الكريم، ۳/۵۴۰؛ محمد صادقی، الفرقان فی تفسیر القرآن، ۴-۳/۶۷.
۱۵. سید حسین فضل الله، تفسیر من وحی القرآن، ۱۲/۱۴۱۹؛ ۵/۲۷۴، بیروت: دارالملاک.
۱۶. مصطفی الشعکه، تفسیر سورة آل عمران/۲۹؛ عبدالحمید محمود طهماز، التوراة و الانجیل و القرآن فی سورة آل عمران/۳۳۵؛ محمد طنطاوی، تفسیر سورة آل عمران، ۲/۵۷؛ محمد جمال الدین القاسمی، تفسیر القاسمی (محاسن التأویل)، ۴/۴۵؛ محمد بن علی بن محمد الشوکانی، فتح القدير، ۱/۴۱۴؛ محمد بن محمد بن مصطفی العماری، تفسیر أبي السعود، ۱/۳۰؛ محمد رضا مشهدی، کنز الدقائق و بحر الغرائب، ۳/۴۵؛ وهبه الزحلی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه، ۳/۱۷۹؛ ابی العباس احمد بن عجمیه الحسنی، البحر المديد فی تفسیر القرآن المجید، ۱/۳۰۰؛ علاء الدین البغدادی، تفسیر خازن، ۱/۱۴۱۵؛ علی اکبر قرشی، احسن الحدیث، ۲/۴۹؛ امیر عبدالعزیز، التفسیر الشامل لقرآن الکریم، ۱/۴۵۹؛ محمد ابوزهره، زهرة التفاسیر، ۳/۱۱۴۸؛ عبدالله بن احمد النسفی، تفسیر نسفی، ۱/۲۲۷؛ محمد متولی شعراوی، تفسیر شعراوی، ۳/۱۳۵۲؛ هود بن محکم الهواری، تفسیر کتاب الله العزیز، ۱/۲۷۳.

۱۷. تفسیر طبری، جامع البیان عن تاویل آی القرآن، ۲/ ۲۳۲، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۵ هـ.
۱۸. همان.
۱۹. همان.
۲۰. محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ۳/ ۲۲۷، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ هـ.
۲۱. همان.
۲۲. همان.
۲۳. سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه: عبدالکریم نیری، ۵/ ۲۲۹.
۲۴. هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۲/ ۱۵، بیروت: موسسه الاعلی للمطبوعات، ۱۴۱۹ هـ.
۲۵. عبدالعلی بن جمعه العروسی الحویزی، نور الثقلین، تحقیق علی عاشور، ۱/ ۳۱۵، بیروت: موسسه التاريخ العربی، ۴۲۲۱ هـ.
۲۶. آیت الله جوادی آملی در کتاب تسنیم، در این باره چنین می گوید: «بسیاری از روایاتی که در تفاسیر روایتی شیعه مثل نورالثقلین و البرهان، آمده است و از آن بعنوان روایت تفسیری یاد می شود در پی تفسیر آیه نیست زیرا تفسیر به معنای بیان معانی الفاظ و جمله های قرآنی است و بیشتر آن احادیث از این قبیل نیست، بلکه در پی تطبیق آیه بر برخی مصادیق آن است... همان گونه که آیه کریمه غیر المغضوب علیهم... بر یهود و نصاری تطبیق شده است... (تسنیم، ۱/ ۱۶۸). در واقع شاید بتوان گفت: مهترین نقش سنت بعد روش گذاری و قاعده سازی آن است این نقش با کلید دهی به مردم، چگونگی تعامل با قرآن و شیوه بهره گیری از معارف قرآن را به آنان می آموزد تا مردم خود در پرتو راه و رسم درست به معنای آیات دست یابند.» (از متن تا معنا، محمد باقر سعیدی روشن، فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش ۲۲/ ۲۹).
۲۷. عبدالرحمن الرازی، تفسیر القرآن العظیم، ۲/ ۶۱۷، ریاض: مکتبه نزار، ۱۴۱۷.
۲۸. همان.
۲۹. جلال الدین سیوطی، الدرالمشورفی تفسیر المأثور، ۲/ ۱۶۲، بیروت: دارالاحیاء التراث الغربی، ۱۴۲۱ هـ.
۳۰. المنارفی تفسیر القرآن العظیم، ۲/ ۶۱۷.
۳۱. محمد عزه دروزه، تفسیر الحدیث، ۷/ ۱۰۵، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۱ هـ.
۳۲. همان.
۳۳. المیزان، ۹/ ۶۳.
۳۴. تفسیر التحرير و التنویر، ۳/ ۱۸۸.
۳۵. هادی تهرانی، مبانی کلامی اجتهاد، ۳۸۴. قم: موسسه فرهنگي خانه فرد، ۱۳۷۷ ش.
۳۶. همان.
۳۷. صاحب تفسیر مواهب الرحمان ذیل عبارت ابتدایی آیه چنین استفاده ای کرده است: «الدين واحد لا اختلاف فيه». تفسیر مواهب الرحمان، عبدالاعلی الموسوی السبزواری، ۵/ ۱۵۲.
۳۸. الفرقان فی تفسیر القرآن، ۴/ ۲۳۶.
۳۹. محمد عزه دروزه در تفسیر الحدیث به نقل از طبری چنین آورده: «لقد روی طبری و تابعه ان هذه الایه (۱۹/ آن عمران) الی بضع ثمانین آیه من بعدها نزلت فی مناسبه قدوم وفد من نصاری نجران و مناظراتهم...» تفسیر الحدیث، ۷/ ۱۰۵. صاحب تفسیر التحرير و التنویر ذیل آیه ۸۴ این سوره تصریح می کند که مناظره بین طرفین در همین جا پایان پذیرفت: «و هنا انتهت المجادله مع نصاری نجران» (تفسیر التحرير و التنویر، ۳/ ۳۰۲) لازم به ذکر است که مضمون و محتوای آیات ۸۶ به بعد این سوره نیز گسست مفهومی بین آیات بخش اول سوره و سایر بخش های آنرا تأیید می کند.